بسمه تعالی

موضوع: مبطلیت تکلّم/ فصل في مبطلات الصلاة

فهرست مطالب:

[مساله 15 1](#_Toc186379639)

[ابتدا به سلام نمازگزار به قصد دعا 1](#_Toc186379640)

[ابتدا به سلام نمازگزار به قصد قرآنیت 2](#_Toc186379641)

[ابتدا به سلام نمازگزار بدون قصد تحیت 3](#_Toc186379642)

[اشکال به صاحب عروه 4](#_Toc186379643)

[اشکال به آقای سیستانی 4](#_Toc186379644)

[مساله 16 5](#_Toc186379645)

[وجوب جواب سلام 5](#_Toc186379646)

[حکم جواب سلام در نماز نزد عامه 6](#_Toc186379647)

[حکم جواب سلام در نماز نزد خاصه 7](#_Toc186379648)

بسم الله الرحمن الرحیم

مساله 15: لا يجوز ابتداء السلام للمصلِّي، و كذا سائر التحيّات مثل: صبّحك اللّٰه بالخير، أو: مسّاك اللّٰه بالخير، أو: في أمان اللّٰه، أو: ادخلوها بسلام، إذا قصد مجرّد التحيّة، و أمّا إذا قصد الدُّعاء بالسلامة أو الإصباح أو الإمساء بالخير و نحو ذلك فلا بأس به، و كذا إذا قصد القرآنية من نحو قوله سَلاٰمٌ‌ عَلَيْكُمْ‌ \* أو اُدْخُلُوهٰا بِسَلاٰمٍ‌ ، و إن كان الغرض منه السلام أو بيان المطلب بأن يكون من باب الداعي على الدُّعاء أو قراءة القرآن.

# مساله 15

## ابتدا به سلام نمازگزار به قصد دعا

شکی نیست که ابتدا به سلام به معنای انشای تحیت بر مصلی جایز نیست زیرا مصداق تکلم بوده و تکلم در نماز جایز نیست. اما اگر انشاء تحیت محض نباشد و قصد دعا داشته باشد، محل بحث است و صاحب عروه فرموده:اگر به قصد دعا مثلا بگوید: «صبّحک الله بالخیر»، اشکالی نداردهر چند مخاطب هم دارد.

این فرمایش صاحب عروه – که مورد موافقت برخی دیگر قرار گرفته- مبتنی بر نظر ایشان بر استثنا بودن دعا مع مخاطبة الغیر در نماز است آقای سیستانی در بحث استدلالی با ایشان موافق هستند ولی در تعلیقه عروه احتیاط واجب کردند که این کار ترک شود. به نظر ما – چنانچه آقای خویی ره و مرحوم امام ره هم فرموده اند به صاحب عروه اشکال وارد است، زیرا

اولا: در ادله دعا، اطلاقی وجود ندارد، آنچه که در ادله تجویز شده عنوان مناجاه الرّبّ است نه مطلق دعا

ثانیا:اگر هم اطلاقی در مورد جواز دعا در نماز وجود داشته باشد، از آنجا که «صبّحک الله بالخیر» هم دعا است و هم تکلم مع الغیر،عرفا حیث تکلم مع الغیر آن مقتضی بطلان است و حیث دعا بودن آن مقتضی بطلان نیست. لذا عرفا از باب مقتضی و لا مقتضی محسوب می شود که مقتضی مقدم می گردد نه از باب تعارض و تساقط مانند عنوان اولی حلال بودن خوردن گوشت و عنوان ثانوی حرمت غصب،ایذای مومن یا اضرار به نفس. اگر خوردن گوشت مصداق یکی از عناوین غصب،ایذای مومن یااضرار به نفس باشد، عنوان ثانوی در این موارد مقتضی حرمت بوده و بر عنوان اولی که لا مقتضی نسبت به حرمت است، مقدم می شود.

اشکال دیگر به صاحب عروه این است که ایشان در مورد صبحک الله بالخیر دو صورت بیان فرمودند که اگر قصد مجرد تحیت باشد، جایز نیست و اگر قصد دعا باشد جایز است. در حالی که این جمله دعا است مانند «سلام الله علیک» بر خلاف «صباح الخیر» که دعا نبوده و آرزو است. صبح به خیر به این معنا نیست که از خدا می خواهم که صبح تو را به خیر کند ولی «صبحک الله بالخیر». «فی امان الله» یا خداحافظ دعا هستند و معانی آنها به صورت ارتکازی قصد می شود بخلاف مثالی که قبلا بیان شد که بگوید «سبحانه» قصد تسبیح خداوند نکند و قصدش این باشد که خانم او صبحانه برایش بیاورد. بله، اگر کسی «صبحک الله بالخیر» بگوید و اصلا معنای آن را قصد نکند، دعا نیست اما این فرض محل بحث نیست و فرض این است که قصد معنا کرده است. کسی هم که خدا را قبول ندارد وخداحافظی می کند و یا کسی که قسم به قرآن می خورد در حالی که قرآن را قبول ندارد، از روی عادت است و این موارد شاهد بر بطلان نظر ما نمی شود.

## ابتدا به سلام نمازگزار به قصد قرآنیت

صاحب عروه در مورد قصد قرآنیت نیز فرمود: اشکالی ندارد که بگوید ﴿سَلاٰمٌ‌ عَلَيْكُمْ‌﴾ یا ﴿اُدْخُلُوهٰا بِسَلاٰمٍ‌﴾ به شرط اینکه داعی فرد برای خواندن این آیه، تحیت باشد، نه اینکه مستعمل فیه، انشاء تحیت شود.

آقای سیستانی و آقای حائری می فرمایند: معلوم نیست که به صرف گفتن ﴿سَلاٰمٌ‌ عَلَيْكُمْ‌﴾ به قصد قرآن خواندن، قرآن خواندن محقق شود زیرا در جملات مشترکه معلوم نیست که قصد قرآنیت برای صدق «قرأ القرآن» کافی باشد بلکه باید مختصات هم بیان شود تا قرائت قرآن صادق باشد مثلا بگوید: ﴿سلام علیکم طبتم﴾ یا ﴿سلام علیکم بما صبرتم﴾ تا صدق قرائت قرآن کند. ما این مطلب را صحیح ندانستیم و به نظر ما کسی که به قصد قرآن خواندن بگوید ﴿سَلاٰمٌ‌ عَلَيْكُمْ‌﴾ کافی است ولو جمله های مختصه را بیان نکند.

برخی اشکال کرده اند که اگر ﴿سَلاٰمٌ‌ عَلَيْكُمْ‌﴾ را به عنوان قرآن بخواند و آن را استعمال در انشاء تحیت به مخاطب کند، استعمال لفظ در اکثر از معنا کرده چون هم در حکایت از قرآن استعمال شده و هم در انشاء تحیت استعمال شده است و این محال است.

پاسخ اینکه اولا استعمال لفظ در اکثر از معنا محال نیست و استحاله ای ندارد. مثال های فراوانی هم دارد. صاحب کفایه قائل بود که فقط کسی که لوچ است و یک چیز را دوتا می بینداستعمال لفظ در اکثر از معنا می کند. مرحوم حاج شیخ محمدرضا اصفهانی صاحب وقایة الاذهان در مقابل ایشان فرمودند: کسی استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد را منع نمی کند مگر اینکه یک چشم باشد و شواهدی را بیان می کنند[[1]](#footnote-2). «قلب ملوم مولم»، هم به این معنا است که اگر لفظ ملوم را معکوس کنید مولم می‌‌شود و هم به این معنا است که اگر کسی را ملامت کنید، قلبش به درد می آید. استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد، خلاف ظاهر است اما امکان دارد.

ثانیا اگر هم استعمال لفظ در اکثر از معنا محال باشد ، در اینجا که استعمال لفظ در اکثر از معنا نیست. داعی از تلفظ به این لفظ، ایجاد مماثل لفظ قرآن است که به این لحاظ قرائت قرآن می شود ولو معنای جدیدی برای آیه در نظر گرفته شود، مثلا قرآن بخواند و بگوید ﴿رب انی مغلوب فانتصر﴾، ﴿رب انی لما انزلت الیّ من خیر فقیر﴾، اما تطبیق بر خودش بدهد، این ها منافاتی با قرآن خواندن ندارد چون حکایت قرآن به معنای این نیست که مستعمل فیه- که لفط قرآن فانی در آن دیده می شود- قرآن باشد. داعی بر تلفظ به این لفظ این است که ایجاد مماثل یک جملۀ قرآنیه بکنید و لذا می توان در آیات قرآنی، قصد معنا کرد که البته بعضی‌ در بحث قرائت اشکال کردند اما به نظر ما هیچ اشکالی ندارد.

## ابتدا به سلام نمازگزار بدون قصد تحیت

یک فرض دیگر این است که وقتی می گوید ﴿سَلاٰمٌ‌ عَلَيْكُمْ‌﴾ اصلا قصد انشا تحیت ندارد بلکه قرآن می خواند و می خواهد تداعی معانی کند و به کسی هم خطاب نمی کند، در این فرض هیچ اشکالی وجود ندارد و فرد مقابل هم لازم نیست که جواب سلام بدهد زیرا به او سلام نکرده است. تداعی معانی مانند این است که شخصی به ما بگوید: « یادت می‌‌آید آن روز رفتیم خانۀ فلانی و من به او گفتم سلام» و قصد دارد که به یاد ما بیاورد که یعنی من الان هم دوست دارم به تو سلام کنم. یا کسی که در پاسخ سلام می گوید «سلام از ماست» جواب سلام نداده است بلکه در اینجا می خواهد جواب سلام را در ذهن شما تداعی کند و این خود نوعی تحیت است و باید پاسخ سلام او هم داده شود.

## اشکال به صاحب عروه

کسی لفظ «سلام علیکم» را در انشای تحیت استعمال کند و نه در صرف قرآن خواندن، مصداق تکلم مع الغیر است و ما اشکال داریم. اما صاحب عروه طبق مبنای خودش نباید اشکال کند و ایشان می فرماید همین که قصد حکایت از قرآن دارد، قرائت قرآن است ولو تکلم مع الغیر هم باشد. صاحب عروه تعبیر کرده اند که «و كذا إذا قصد القرآنية من نحو قوله سَلاٰمٌ‌ عَلَيْكُمْ‌ \* أو اُدْخُلُوهٰا بِسَلاٰمٍ‌ ، و إن كان الغرض منه السلام أو بيان المطلب بأن يكون من باب الداعي على الدُّعاء أو قراءة القرآن». اگر مراد ایشان این است که لفظ سلام علیکم را در انشا تحیت استعمال نکند و فقط داعی و از قبیل تداعی معانی باشد اینکه اشکالی ندارد مانند اینکه در نماز بخواند ﴿وَ انْظُرْ إِلى‏ إِلهِكَ الَّذي ظَلْتَ عَلَيْهِ عاكِفاً لَنُحَرِّقَنَّهُ﴾[[2]](#footnote-3) و مراد این باشد که به همسرش بفهماند که غذا در حال سوختن است، این اشکالی ندارد زیرا تداعی معانی است و لفظ در آن معنا استعمال نشده است و در این حالت جواب سلام نیز واجب نیست. اما اگر می خواهد انشاء تحیت کند در این صورت دیگر صرفا داعی نیست بلکه لفظ سلام علیکم در انشاء تحیت استعمال شده است و قرائت قرآن داعی می شود یعنی داعی از استعمال لفظ سلام علیکم در انشای تحیت ایجاد مماثل آیه قرآن است. وقتی کسی سلام می دهد اگر مستعمل فیه او انشاء تحیت نباشد دیگر پاسخ بر مخاطب واجب نیست و اگر کسی به شما در نماز سلام بدهد و شما سلام علیکم را به قصد قرائت قرآن بخوانید به داعی اینکه برای او جواب سلام تداعی معانی بشود، کافی نیست بلکه باید انشاء جواب سلام بشود. بنابراین اگر سلام را در انشاء تحیت یا جواب انشاء تحیت استعمال می کنید نباید انشاء تحیت و جواب انشاء تحیت صرف داعی باشد در نتیجه عبارت صاحب عروه هم ایراد دارد. صاحب عروه در مسائل آینده نیز می فرمایند که در هرکجا شک در مشروع بودن جواب سلام کردید به قصد قرائت قرآن، سلام علیکم بگویید و قصد جواب سلام هم بکنید در آنجا نیز اشکال این است که اگر تداعی معانی باشد که انشاء تحیت یا جواب انشاء تحیت نیست و اگر مستعمل‌فیه آن، انشاء تحیت یا جواب انشاء تحیت است، مصداق تکلم می شود. البته صاحب عروه طبق مبنای خودشان قبول می‌‌کنند که مستعمل‌فیه انشاء تحیت است و لکن قصد قرائت قرآن هم دارد.

## اشکال به آقای سیستانی

همان طور که بیان شد، آقای سیستانی در تعلیقه عروه احتیاط می فرمایند که قرآن یا دعا با مخاطبة الغیر جمع نشود، ولی در بحث استدلالی می فرمایند که ذکر الله ولو همراه با مخاطبة الغیر باشد اشکالی ندارد و اگر سلام بگوید و قرآن بخواند و انشاء تحیت کند که مخاطبة الغیر است اشکالی ندارد. ایشان شاهدی برای این مطلب بیان می کنند و می فرمایند در صحیحه محمد بن مسلم نقل شده: «وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا عَطَسَ الرَّجُلُ فَلْيَقُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ إِذَا سَمَّيْتَ الرَّجُلَ فَلْيَقُلْ يَرْحَمُكَ اللَّهُ وَ إِذَا رَدَّ فَلْيَقُلْ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكَ وَ لَنَا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص سُئِلَ عَنْ آيَةٍ أَوْ شَيْ‏ءٍ فِيهِ ذِكْرُ اللَّهِ فَقَالَ كُلُّ مَا ذُكِرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ فَهُوَ حَسَنٌ.»[[3]](#footnote-4) یعنی اینکه به عاطس گفته شود: «یرحمک الله» یا عاطس بگوید: «یغفر الله لک» همه این موارد ذکر خدا است و ذکر خدا حسن است. پاسخ اینکه، این موارد ذکر خداوند است ولی در این دلیل بیان نشده که می توان این موارد را در نماز گفت. این موارد، مجمع العنوانین هستند هم ذکر الله و هم تکلم مع الغیر می باشند و حتی اگر دلیل مطلقی بر جایز بودن ذکر الله در نماز وجود داشت، باز هم عنوان تکلم مع الغیر مقتضی بطلان است.

در مورد دعا هم قبلا بیان شد که به عنوان دعا استثنا نشده بلکه به عنوان مناجاة الربّ استثنا شده که شامل مخاطبة الغیر نمی شود

# مساله 16

يجوز ردّ سلام التحيّة في أثناء الصلاة، بل يجب و إن لم يكن السلام أو الجواب بالصيغة القرآنية و لو عصى و لم يردّ الجواب و اشتغل بالصلاة قبل فوات وقت الردّ لم تبطل على الأقوى.

## وجوب جواب سلام

در غیر نماز جواب سلام واجب است ﴿وَ إِذا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها أو ردّوها﴾[[4]](#footnote-5). همان طور که در ادامه بیان خواهد شد تحیت مجمل است و قدر متیقن آنچه در کتب لغت و کتب تفسیر بیان شده این است که اگر کسی به شما سلام کرد پاسخ بدهید، و اطلاق تحیت نسبت به غیر سلام محرز نیست.

در صحیحه عبدالله بن سنان نقل شده : «مُحَمَّدُ بْنُ‌ يَعْقُوبَ‌ عَنْ‌ عِدَّةٍ‌ مِنْ‌ أَصْحَابِنَا عَنْ‌ أَحْمَدَ بْنِ‌ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ‌ بْنِ‌ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنِ‌ اِبْنِ‌ مَحْبُوبٍ‌ عَنْ‌ عَبْدِ اللَّهِ‌ بْنِ‌ سِنَانٍ‌ عَنْ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ قَالَ‌: رَدُّ جَوَابِ‌ الْكِتَابِ‌ وَاجِبٌ‌ كَوُجُوبِ‌ رَدِّ السَّلاَمِ‌ وَ الْبَادِئُ‌ بِالسَّلاَمِ‌ أَوْلَى بِاللَّهِ‌ وَ بِرَسُولِهِ‌»[[5]](#footnote-6) رد جواب کتاب واجب است مانند وجوب رد سلام. در اینجا وجوب رد سلام مفروغ عنه گرفته شده ولی چون در مقام بیان نیست، اطلاق ندارد.

در روایت سکونی نقل شده: «وَ عَنْ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ إِبْرَاهِيمَ‌ عَنْ‌ أَبِيهِ‌ عَنِ‌ اَلنَّوْفَلِيِّ‌ عَنِ‌ اَلسَّكُونِيِّ‌ عَنْ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ قَالَ‌: قَالَ‌ رَسُولُ‌ اللَّهِ‌ صَلَّى اللَّهُ‌ عَلَيْهِ‌ وَ آلِهِ‌ : السَّلاَمُ‌ تَطَوُّعٌ‌ وَ الرَّدُّ فَرِيضَةٌ‌ »[[6]](#footnote-7). در سند این روایت نوفلی قرار دارد که محل نزاع است. ما روایت نوفلی را قبول داشتیم زیرا نوفلی کسی است که اکثر روایات سکونی از طریق او نقل شده و شیخ طوسی در عده می‌‌گوید امامیه به روایات سکونی عمل کرده اند[[7]](#footnote-8) که به التزام دلالت می کند که نوفلی را هم که اکثر روایات سکونی را نقل کرده قبول داشته اند.

وجوب جواب نامه خلاف سیره متشرعه است و «لو کان لبان» در مورد آن مطرح می شود. هیچ فقیهی قائل به وجوب جواب نامه نشده است مخصوصا در حال حاضر که نامه‌های اینترنتی زیاد به افراد می‌‌زنند، لازم نیست که پاسخ همه نامه ها داده شود و لو در آن‌ها سلام باشد زیرا سلام کتبی است و قدر متیقن آیه در جایی است که سلام شفاهی باشد. بنابراین در مورد نامه مراد از واجب، مستحب است. آن‌وقت ممکن است گفته شود که وقتی «رد جواب الکتاب واجب» به معنای مستحب است در این صورت ظهور این روایت در وجوب سلام نیز مختل می شود. پاسخ این است که در مورد جواب نامه قرینه داریم که واجب به معنای مستحب است اما در مورد وجوب رد سلام قرینه ای وجود ندارد که از ظهور آن رفع ید کنیم.

## حکم جواب سلام در نماز نزد عامه

در وجوب جواب سلام در اثنای نماز بین عامه و خاصه اختلاف است.

اکثر عامه قائل به حرمت جواب سلام در نماز هستند. نقل شده که تنها حسن بصری قائل به وجوب رد سلام در نماز است و شافعی در فتوای قدیم خود قائل بوده که اگر در نماز به شما سلام شد با سر اشاره به جواب کنید یا در یک فتوای دیگری گفته با دست اشاره کنید مثلا دستتان را روی سینه قرار دهید. ابوذر و عطا و ثوری قائل هستند که وقتی نماز تمام شد اگر سلام دهنده هنوز حضور دارد، بعد از نماز به او علیکم السلام بگویید[[8]](#footnote-9). نخعی می گوید که در دلش سلام را جواب دهد.

## حکم جواب سلام در نماز نزد خاصه

در خاصه همه قائل هستند که رد سلام در نماز واجب است و بحث می شود که اگر جواب سلام نداد و مشغول نماز شد آیا نمازش صحیح است یا باطل و برخی به دلیل اینکه امر به شیء مقتضی نهی از ضدش است، قائل به بطلان نماز شده اند.

دلیل بر وجوب رد سلام در نماز به‌نحوی که نماز را باطل نکند، اطلاق آیۀ قرآن نیست زیرا در آیۀ قرآن‌ بیان نشده که اگر جواب سلام بدهید نمازتان هم باطل نمی شود، بلکه ممکن است که جواب سلام واجب بوده و نماز هم باطل شود.

آقای بروجردی یک حاشیه‌ای بر عروه دارند که عجیب است. ایشان می فرمایند: احتیاط واجب این است که جواب سلام را که در نماز می‌‌دهید قصد دعا بکنید چون متعارف در انشاء سلام‌ و جواب سلام دعا بوده است. سلام علیکم یا علیکم السلام یعنی خدا به تو سلامتی بدهد[[9]](#footnote-10).

و الحمد لله رب العالمین.

1. وقایة الاذهان 87. [↑](#footnote-ref-2)
2. طه 97 [↑](#footnote-ref-3)
3. [وسائل الشیعة 12: 88](https://lib.eshia.ir/11025/12/88) [↑](#footnote-ref-4)
4. النساء : 86 [↑](#footnote-ref-5)
5. [وسائل الشیعة 12: 57](https://lib.eshia.ir/11025/12/57) [↑](#footnote-ref-6)
6. [وسائل الشیعة 12: 58](https://lib.eshia.ir/11025/12/58) [↑](#footnote-ref-7)
7. العدة فی اصول الفقه 1: 149 [↑](#footnote-ref-8)
8. الانتصار 153. [↑](#footnote-ref-9)
9. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 7: 485. [↑](#footnote-ref-10)